

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## حجاب من در قلب من است!

نویسنده: دکتر سامی عامری



no-atheism.net  
no\_atheism  
islamway1434  
asteira

حجاب من در قلب من است!

حجاب من در قلب من است!

سکولاریست‌ها و دعوت‌گران نصرانی که دشمن حجاب هستند، همیشه این جمله را تکرار می‌کنند که حجاب واقعی، حجاب قلب است و «تنها» یک تکه پارچه نیست که بر سر «انداخته شود»!

**جواب:** این شبهه بر زبان‌ها جاری است و بر هیچ فرد منصفی پوشیده نمی‌ماند که متناقض و باطل است، و پاسخ از چند وجه خواهد بود:

**اولاً.** اسلام زن را به جایگاهی می‌برد که بداند که تنها وسیله‌ای برای بهره‌جویی نیست، بلکه انسانی باارزش است و لیاقت احترام را داراست. زن مسلمان عاقل به خوبی می‌داند که اصرار هرکسی که با شعار آزادی آنها را دعوت به ترک حجاب می‌کند، برای این است که می‌خواهد چشمان گناه‌پیشه‌اش را از دیدن زنان پُر کند و شوق این دارد که پوشش عفت را از آنان بگیرد و اینگونه شهوت درون خود را تخلیه سازد، لکن بر دعوت خود لباس نصیحت و رغبت آزادسازی زنان از ظلم را می‌پوشاند! کسی که زنان را به کشف حجاب دعوت می‌کند، آنان را تنها در جایگاه دوست‌دختر و معشوقه می‌بیند، اما کسی که آنان را به پوشش فرا می‌خواند، زنان را چون خواهر و دختر خود می‌بیند که جزئی از کیان و قطعه‌ای از روحش هستند و نمی‌خواهد افراد هوس‌پرست تا وقتی که جوان و خوش‌رنگ باشند، مانند عروسکی توخالی با آنها بازی کنند و وقتی با گذر زمان رنگشان رفت، آنها را به گوشه‌ای انداخته و رها کنند.

**ثانیاً.** حجاب تنها «تکه پارچه‌ای که زن بر سر می‌اندازد» نیست، بلکه شیوه‌ی گفتار و کردار و منظومه‌ای اعتقادی، رفتاری و احساسی است و کسی که حجاب را تنها «تکه پارچه‌ای» می‌داند، تصویری کوتاه‌اندیشانه‌ای از شریعت خداوند و ابعاد و اهداف آن دارد.

**ثالثاً.** ظاهر امر این است که این افراد حجابی که نمایند و نمایان‌گر عفت باشد را در قلب می‌دانند و معتقدند که قرار نیست پاکی باطن و پاکی ظاهر با هم همراه باشند، ولی ما بر این باوریم که پاکی ظاهر حتماً باید با پاکی باطن همراه باشد؛ پس پاکی ظاهری و باطنی، متلازم هستند و نمی‌توان آن دو را از هم جدا کرد. زنی که سرش را می‌پوشاند ولی درون ناپاکی دارد، از دیدگاه اسلامی صاحب دین نیست و منافقی است که خود را پیش از دیگران فریب می‌دهد! پاکی تنها قلبی نیست، بلکه باید هم در قلب و هم در بدن پیدا شود و ممکن نیست که کسی با وجود فساد ظاهر دارای قلب پاکی باشد! آیا منتقدین ما می‌پذیرند که بگوییم فلانی قلب پاکی دارد ولی دزد است، مرتکب تجاوز می‌شود و یا دروغگو است و مردم را فریب

می‌دهد؟! اگر بگویند که چنین فردی نمی‌تواند دارای قلبی پاک باشد، ما هم می‌گوییم که ممکن نیست کسی قلب پاک داشته باشد ولی آنچه خداوند دستور به پوشیدنش داده را آشکار کرده و نپوشاند. در نتیجه پاکی و عفت مانند درختی است که ریشه‌اش در قلب و میوه‌اش بر جوارح و اندام‌های بدن است.

رابعاً. دعوتگر نصرانی تنها سه راه‌حل در مقابل خود خواهد داشت:

۱. ممکن نیست درستی ظاهر و درستی باطن با هم جمع شوند.

۲. درستی ظاهر شرط درستی باطن نیست.

۳. درستی باطن شرط درستی ظاهر است.

نصرانی، راه‌حل نخست را رد می‌کند و حتی منحرف‌ترین مردم هم چنین راه‌حلی را قبول نخواهند داشت، زیرا لازمه‌اش این است که مردم باید رذائل و فواحش اخلاقی را مرتکب شوند تا قلبشان پاک شود! گزینه‌ی دوم نیز نمی‌تواند درست باشد، زیرا انسان را به دو نیم تقسیم می‌کند که انگار یکی در عالم پاکی سیر می‌کند و دیگری در لجن غرق شده است. پس ساده‌لوحانه است که نفس انسان را قسمت‌های جداگانه و مستقلی بینداریم که به یکدیگر ربطی ندارند و از هم فرسنگ‌ها فاصله می‌گیرند، بلکه ابعاد مختلف انسان بر یکدیگر اثراتی می‌گذارند و از یکدیگر اثراتی می‌پذیرند. پس گزینه‌ی سوم می‌ماند که همان دیدگاه مسلمانان است و در این دیدگاه بین ظاهر و باطن، تلازم وجود دارد و از نظر عقلی و حتی در واقعیت محال است که انسان با قلبش در یک عالم و با جسمش در عالمی دیگر زندگی کند؛ بلکه ممکن نیست که قلب، قطعه‌ای از نور باشد و جسم تا گردن در فساد فرو رفته باشد. حال که می‌دانیم چنین چیزی محال است، پس باید از آشکارکردن آنچه آشکارکردنش حرام است و پوشیدن لباس‌های تنگی که جزئیات را می‌نمایاند خودداری کرد و در کنار این، قلب را از عوامل گناه و فتنه پاک کرد؛ خداوند همواره از ظاهر و باطن ما مطلع است و هرچه مخفی کنیم را می‌داند و در وحی خبر داده که پاداش نیکی و جزای فساد را خواهد داد.

خامساً. چرا زن باحجابی که در خلوت مرتکب معصیت و نافرمانی می‌شود، دلیلی بر علیه حجاب باشد؟! حجاب مادامی که با کار زشتی که با چشمان خود آن را ببینیم همراه نشده باشد، دلیل ظاهری بر عفت است، ولی باطن و حقیقت قلب را کسی جز الله نمی‌داند. پس

همانطور که نمازگزار گناهکار حتی بر علیه نماز نیست، زن باحجابی که مرتکب فساد می‌شود نیز چنین است و نمی‌توان به زشت‌کاری او برای محکوم‌ساختن حجاب استدلال کرد!<sup>۱</sup>

سادساً. هدف اول حجاب این است که مرد از طریق زن دچار فتنه نشود، پس گفتن «حجاب من در قلب من است» بی‌معنا می‌شود؛ زیرا حجاب شعاری بی‌هدف نیست، بلکه وظیفه‌اش این است که زیبایی‌های زن را بپوشاند تا هوای شیطانی در قلب مرد وزیدن نگیرد و به زنا و توابع نکشد و «حجاب قلب» که می‌گویند نمی‌تواند چنین چیزهایی را بازدارد!

سابعاً. می‌شنویم که گروهی می‌گویند: بعضی از زنان حجاب نمی‌پوشند و با این حال هیچ مردی نمی‌تواند به آنها کاری داشته باشد! چنین سخنی بسیار عجیب است، زیرا زنانی که حجاب ندارند، آنچه چشمان مردان دنبال می‌کند را به آنها تقدیم کرده‌اند! مگر مسئله تنها زنا به معنای معروف و مستعمل آن است؟! پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به ما خبر داده‌اند که چشم هم‌زنا دارد؛ در حدیثی فرموده‌اند: «العینان تزنیان وزناهما النظر»<sup>۲</sup> یعنی «چشم هم‌زنا می‌کند و زنا چشمان، نگریستن است». با این حال چگونه با وجود بی‌حجابی مردان را از آنچه می‌خواهند منع کرده‌اند؟ مگر لباس‌های تنگ و کوتاه، از ادات زنا نیست؟! چرا اسباب را از مسببات و نتایج را از مقدمات جدا کنیم؟

آیا تجاوز عملی ناخودآگاه است و محرکی ندارد؟<sup>۳</sup> کشورهای که در خیابان و رسانه‌اش هر لباسی می‌پوشند، کشورهای است که علیرغم وجود مجازات قانونی قانون‌گذاران، بالاترین نرخ

۱. بیش از این هم می‌گوییم: اگر با دیدن زن باحجابی که مرتکب فساد شده بتوان به حجاب حمله کرد، به طریق اولی می‌توان بدحجابی را تقبیح کرد و به بدحجابان یورش برد؛ زیرا زنان فاسدی که به دنبال فحشاء و تن‌فروشی هستند بیش از اینکه خواهان حجاب باشند، از بدحجابی و لباس‌های آنچنانی برای تبلیغ کالای خود استفاده می‌کنند. پس شمار زنان فاسدی که بدحجاب باشند، به اندازه‌ی غیر قابل‌مقایسه‌ای از شمار زنان فاسد باحجاب بیشتر است و اگر مخالف به چنین مغالطه‌هایی متوسل شود، خود بدحجابی پیش از حجاب مورد تشنیه واقع خواهد شد. کدام نقاشی را دیده‌اید که در گالری‌ها و جاهایی که فرصت فروش آثارش را دارد، بر آنها پارچه‌ای بیندازد و زیبایی‌شان را مخفی سازد؟ سیامک ستوده در کتاب زن و سکس در تاریخ (ص/۴۳) نوشته است: «سکس نیز مانند هر کالای دیگری، قبل از فروش، برای جلب مشتری، باید در شکل جذاب و تحریک‌کننده‌ای بسته‌بندی شود و این کاری است که زنان هنر آن را خوب می‌دانند و به طور روزمره به آن مشغول‌اند»، و این را مردی متدین و متقی یا راهبه‌ای در قرن هجدهم نگفته، بلکه سخن یکی از منتقدین دین و داعیان فمینیسم است. (مترجم)

۲. بخاری و مسلم

۳. فحشایی که در قدیم بود، فحشای سنتی بود که حتی مردی که در میان قومش شریف شناخته می‌شد، مخفیانه انجامش می‌داد و بهایش را می‌پرداخت. اما فحشای جدید به صنعتی مبدل شده که رسانه‌ها را برای

تجاوز را دارد، اما از زمان پیدایش دولت اسلامی در مدینه‌ی منوره تا زمان سقوط خلافت، تجاوز جنسی بسیار کم بوده است.

نگاه، انسان را به زنا می‌کشاند، چنانکه شاعر می‌گوید:

كل الحوادث مبداهها من النظر  
ومعظم النار من مستصغر الشرر  
كم نظرة فتكت في قلب صاحبها  
فتك السهام بلا قوس ولا وتر<sup>۴</sup>

و امام ربانی، ابن قیم فرموده است: «خداوند به پیامبرش دستور داده که به مؤمنان بگوید چشم فرو گیرند و دامن خود را از ناپاکی حفظ کنند، و خداوند شاهد اعمالشان است و آنان را می‌بیند: {يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور} [غافر: ۱۹] و از آنجا که مبدأ آن چیزها از چشم است، امر به فروگرفتن چشم بر حفظ پاکدامنی مقدم شده است... ابتدا نظرة (نگاه) است، سپس خطرة (آنچه در قلب می‌افتد)، سپس خطوة (قدم‌نهادن در راه آن) و در نهایت به خطيئة (گناه و معصیت) خواهد رسید. برای همین گفته‌اند که هرکس این چهار چیز را حفظ کند، دینش را حفظ کرده است: لحظات (نگاه با گوشه‌ی چشم)، خطرات (آنچه در قلب بیفتد)، لفظات (گفتن‌ها) و خطوات (قدم‌گذاشتن به سوی معصیت).»<sup>۵</sup>

واقعاً نمی‌توانیم مغرورانه از «مرد متمدن»<sup>۶</sup> صحبت کنیم که هرچه بخواهد می‌بیند ولی شهوت در او نمی‌جنبد؛ زیرا چنین نگرشی روان و ویژگی‌های مرد را اهمال می‌کند. هدفم از

نشر خود به خدمت می‌گیرد و از این طریق هرزگی و بی‌بندوباری را تبلیغ می‌کنند و عجیب اینکه بسیاری از مردم غرب این نوع محتوا را ابداً چیز بدی نمی‌دانند و حتی نام «محتوای بزرگسالان» را بر آن گذاشته‌اند، انگار که دسترسی به آن تنها برای کودکان مشکل دارد! در این گونه محتواهای غیر اخلاقی، تشویق به خشونت جنسی صریح وجود دارد و حتی آمار جستجوی چنین عباراتی در موتورهای جستجو هم بالا رفته است زیرا دنبال‌کنندگان دیگر به ارتباط جنسی معمولی قانع نیستند. همچنین نتایج دیگری چون افزایش عمل لابی‌پلاستی (تغییر شکل واژن)، تنوع‌طلبی بی‌ضابطه، چشم‌چرانی، اعتیاد و انحراف جنسی به بار آورده‌اند و دعوت به آزادی‌های فردی بی‌قید و بند و دوری از تعالیم نورانی دین عامل تمام این بدبختی‌ها است. (مترجم)

۴. هر اتفاقی با نگاه آغاز می‌شود و آتش بزرگ را شعله‌ی کوچکی رقم می‌زند و چه بسیار نگاه‌هایی که بی‌قوس و زه، در قلب صاحبشان تیر فرو کرده باشند. (مترجم)

۵. الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافي، صص ۱۰۶-۱۰۵.

۶. آنکه می‌گویند «مرد متمدن» نیست و بیشتر شبیه «مرد مقطوع» است که میل جنسی را از دست داده و شاید نیاز به درمان دارد! مرد زمان ما، همان نیازهای مرد قرون گذشته را دارد، با این تفاوت که در محیطی قرار می‌گیرد که از هر سو شهوات به او هجوم آورده‌اند و به روانش ناخنک می‌زنند و تمایلاتش را قفلک می‌دهند. آمارها نشان می‌دهند که درصد بزرگی از «مردان متمدن» در محل کار خود هم فیلم‌های غیر اخلاقی مشاهده کرده‌اند و حتی بسیاری در سایت‌های غیر قانونی به دنبال پورنوگرافی مربوط به کودکان

این سخن این نیست که مرد در قید جبر باشد و لاجرم در زنا و تجاوز گرفتار گردد، بلکه مراد این است که شهوت بر او اثر بزرگی می‌گذارد مگر اینکه آن را در حلال صرف کند یا اینکه عوامل فوران شهوت را با افسار تقوا کنترل کند<sup>۷</sup> که چنین چیزی برای تمام مردان ممکن نیست؛ زیرا دروازه‌ی حلال به روی بسیاری بسته شده و ریسمان تقوا از دست گروهی رفته است.<sup>۸</sup>

در اینجا باید بر این نکته تأکید کرد که برانگیختگی بصری نزد مردان - که واقع نیز بر این مسئله شاهد است و جای شک ندارد - حساسیت بالایی دارد، بر خلاف زنان که بیشتر جذب رفتار مردان می‌شوند.<sup>۹</sup>

### نویسنده: دکتر سامی عامری<sup>۱۰</sup> برگردان فارسی با اندکی تلخیص: «رد شبهات ملحدین»

بوده‌اند. نگاه شرقی به مرد غربی و به طور کلی غرب بسیار مغلوط است، نگاهی از پایین به بالا است که هر فضیلتی را در آنها می‌جوید، بی‌آنکه نواقصشان را بگوید. (مترجم)

۷. ممکن است کسی بگوید که چرا اسلام به خاطر حفظ پاکی مردان، زنان را محدود کرده است؟ در پاسخ باید گفت: اولاً مرد به تنهایی زنا نمی‌کند، پس گذاشتن مردان و زنان در سمت راست و چپ تصویر اشتباه است. ثانیاً اسلام از جوانب مختلفی وارد شده تا پاکدامنی را در جامعه‌ی اسلامی افزایش دهد؛ می‌بینیم که دستور داده که مردان و زنان چشمان خود را فرو گیرند و به آنچه دیدنش روا نیست نگاه نکنند، از خلوت با نامحرم نهی کرده، به ازدواج و پایبندی به آن دستور داده و ارتباط عاطفی میان زن و شوهر را ستوده است. تمام اینها برای این است که مبارزه با یک مفسده از راه‌های مختلف کارا تر است و هرچه بیشتر راه‌های فساد را بست، موجب تقلیل وقوع آن خواهد شد. پس اسلام هم مردان و هم زنان را محدود کرده و محدودیت معنای بدی ندارد، بلکه هر آدمی در محدودیت زندگی می‌کند و حدودی که به درستی تعیین شده باشند، سعادت دنیوی و اخروی بشر را تضمین می‌کنند. (مترجم)

۸. شاید زنی بگوید که پاکی مردان چه ارتباطی به ما دارد؟ در واقع چنین تصویری قاصر و ناقص است، زیرا: اولاً مردان نصف جامعه را تشکیل می‌دهند و پاکی یا ناپاکی مردان بر دیگر مردان و حتی زنان تأثیر می‌گذارد و در نتیجه سلامت جامعه را تحت شعاع قرار خواهد داد. ثانیاً انسان در برابر جامعه مسئول است و باید در جهت ترقی آن تلاش کند نه اینکه خودخواهانه خود را از آن کنار بکشد و شعار «به من چه» سر دهد و هرکسی در گناهی همکار باشد، سرانجام عقاب آن را به دوش خواهد کشید، همانطور که اگر در نیکی شریک شود، سرانجام در پاداش آن شریک خواهد شد. ثالثاً زن تنها زن نیست و مرد هم تنها مرد نیست، اما چنین پرسشی مرد را به نام نر و زن را به نام ماده می‌شناسد، وگرنه با قدری تأمل روشن می‌شود که مرد نقش‌هایی چون «پدر»، «پسر»، «برادر» و «همسر» دارد، همانطور که زن نقش‌هایی چون «مادر»، «دختر»، «خواهر» و «همسر» را ایفا می‌کند. (مترجم)

۹. مجله‌ی New York Post مصاحبه‌هایی با زنان ترتیب داد و نتیجه این بود که از هر پنج زن، چهار نفر گفتند که تصاویر مردان برهنه آنها را تحریک نمی‌کند. (سامی عامری)

۱۰. این مقاله، از کتاب «الحجاب شریعة الله في الإسلام واليهودية والنصرانية» اثر برادر فاضل، دکتر سامی عامری گرفته شده است. (مترجم)